

بررسی جایگاه زبان‌شناسی در برنامه‌های درسی رشته‌های علوم انسانی

آتوسا رستم‌بیک تفرشی*

چکیده

علوم انسانی را می‌توان یکی از شیوه‌های گوناگون پردازش و ثبت تجارب انسانی دانست. ماهیت چندبعدی انسان موجب می‌شود که هیچ حوزه‌ای از علوم انسانی نتواند به تنهایی از وجود او رمزگشایی کند. در این پژوهش، بعد از اشاره به ماهیت زبان و زبان‌شناسی و علوم انسانی و ارائه تاریخچه مختصری از شکل‌گیری رشته زبان‌شناسی با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی و مقایسه‌آرای متفاوت متخصصان ایرانی و غیر ایرانی، رابطه زبان‌شناسی با جامعه‌شناسی، مردم‌شناسی، روان‌شناسی، تاریخ، فلسفه، سیاست، حقوق، و غیره و جایگاه آن در برنامه درسی این رشته‌ها در دانشگاه‌های ایران بررسی می‌شود. نتایج حکایت از بعد میان‌رشته‌ای زبان‌شناسی و پیوند عمیق و دیرینه آن با حیطه‌های مورد بررسی دارد؛ پیوندی دوسویه که در مواردی به شکل‌گیری شاخه‌های میان‌رشته‌ای گوناگون در زبان‌شناسی منجر شده است. با وجود این، جای این حیطه‌های میان‌رشته‌ای در برنامه درسی مصوب بیشتر رشته‌های مورد بررسی خالی است؛ هرچند در برخی از دانشگاه‌ها تلاش‌هایی برای ارائه چنین دروسی برای یک گروه آموزشی خاص صورت گرفته است.

کلیدواژه‌ها: زبان‌شناسی، علوم انسانی، برنامه درسی، مطالعات میان‌رشته‌ای.

۱. مقدمه

علوم انسانی خصلت‌ها، ویژگی‌ها، فعالیت‌ها، و رفتارهای انسان را مطالعه می‌کنند و

* استادیار پژوهشکده زبان‌شناسی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی atoosa.rostambeik@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۱/۲۳، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۳/۳

معارفی‌اند که موضوع تحقیق آن‌ها فعالیت‌های گوناگون بشری است، یعنی فعالیت‌هایی که متضمن روابط افراد بشر با یکدیگر و روابط اشیا و آثار و نهادها و مناسبات ناشی از آن‌هاست (باقری، ۱۳۸۷). الگو و ماهیت تحقیق علمی در علوم انسانی و تربیتی از علوم مادی و فیزیکی گرفته شده و هدف آن «حقیقت‌یابی» و «فهم‌جویی در کنه مطلب» بوده و هست (نادری و نراقی، ۱۳۷۴: ۱۳). علوم انسانی ریشه در اصطلاح پایدیا (paideia) (تربیت) در یونان باستان دارد؛ واحد درسی عمومی‌ای که به سوفسطاییان قرن پنجم پیش از میلاد بازمی‌گردد. در اوایل قرون وسطا، کشیش‌های کلیسا، از جمله سنت آگوستین، که خود یک عالم در علم بدیع بود، پایدیا و طبیعت انسان (humanitas)، که به لیبرالز هم شهرت داشتند، را در دروس پایه آموزش مسیحی گنجانند؛ ریاضیات، مطالعات زبان‌شناختی و فلسفی، تاریخ، فلسفه، و علوم هم در این برنامه قرار داشتند. واژه «humanitas» (طبیعت انسان) در سال‌های آخر قرون وسطا از این کاربرد عمومی فاصله گرفت. متخصصان علوم انسانی ایتالیایی، در قرن پانزدهم، اصطلاح «studia humanitatis» (مطالعات انسانی) را برای اشاره به ادبیات سکولار و کارهای پژوهشی در زمینه دستور، علم بدیع، شعر، تاریخ، فلسفه اخلاق، و مطالعات لاتین و یونان باستان به‌کار گرفتند. در قرن نوزدهم، با گسترش قلمرو علوم انسانی، آنچه هویت علوم انسانی را شکل می‌داد ننگنجدن این علوم در چهارچوب مواد و روش‌های علوم فیزیکی بود که دنیا و پدیده‌ها را به طور عینی و بدون ارجاع به معنا و هدف انسانی بررسی می‌کرد (Britannica, 2013).

در دانشگاه‌های فرانسه، عبارت علوم انسانی شامل هسته‌ای علمی مرکب از روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، و انسان‌شناسی می‌شود و گاهی زبان‌شناسی و تاریخ را نیز در بر می‌گیرد. علوم اجتماعی بیشتر علوم جامعه به معنای واقعی کلمه مانند اقتصاد، علوم سیاسی، جغرافیا، و جامعه‌شناسی را در بر می‌گیرد. در عمل، استفاده از این عبارتها نمی‌تواند خیلی دقیق باشد، زیرا نمی‌توان خط فاصلی مشخص بین این زمینه‌ها و حوزه‌های علمی ترسیم کرد و گفت انسان این‌جا شروع می‌شود و جامعه آن‌جا پایان می‌پذیرد. ژان پیازه در کتابی که خود آن را شناخت‌شناسی علوم انسانی نام نهاد می‌نویسد:

نمی‌توان هیچ‌گونه تمایز ماهوی میان آنچه اغلب علوم اجتماعی نامیده می‌شود و آنچه علوم انسانی خوانده می‌شود قائل شد، زیرا بدیهی است که پدیده‌های اجتماعی به همه خصوصیات انسانی، حتی فرایندهای روانی - فیزیولوژیک، وابسته‌اند و در مقابل علوم انسانی همه از جهت معینی اجتماعی‌اند (دورتیه، ۱۳۸۲: ۱۷ و ۱۸).

در سال‌های اخیر، یکی از داغ‌ترین مباحث علمی در درون و برون رشته‌های علوم انسانی این بوده است که آیا می‌توان رفتار انسان را به صورت علمی بررسی کرد یا نه؟ گاهی، دانشمندان فیزیک با تعریفی که از علم دارند اذعان می‌کنند که روش علمی را نمی‌توان در مورد رفتار انسانی به کار برد. در حالی که دانشمندان علوم انسانی نیز در صدد کشف نظم و قواعدند و این کار را از طریق مشاهده، اندازه‌گیری دقیق، کشف روابط، و تدوین مدل‌ها و نظریه‌ها انجام می‌دهند (دلاور، ۱۳۷۴: ۱۴ و ۱۵). موضوع مورد مطالعه در زبان‌شناسی نیز متفاوت با آن چیزی است که اغلب به عنوان علم سخت (دقیق) (hard science) می‌شناسیم. البته، برخی از جنبه‌های زبان‌شناسی مانند آواشناسی فیزیکی (فیزیک صوت) (acoustic phonetics) به تعریفی که از علم در ذهن داریم نزدیک است، زیرا یک پدیده فیزیکی را بررسی می‌کند. به طور کلی، زبان‌شناسان نیز با هدف کشف حقایقی درباره دنیایی که در آن زندگی می‌کنیم، درگیر فرایند کندوکاوی هستند مشابه آنچه در سایر علوم می‌بینیم؛ هرچند که ماهیت موضوع مورد مطالعه در زبان‌شناسی، یعنی دانش و رفتار زبانی به منزله یکی از ویژگی‌های انسان، دشواری خاص خود را دارد (Clark, 2006: 233).

بیش از پنجاه سال از تأسیس اولین گروه زبان‌شناسی در ایران می‌گذرد. در طی این مدت، این رشته به سرعت توسعه یافته است و امروز در بسیاری از دانشگاه‌ها در مقطع کارشناسی، کارشناسی ارشد، و دکتری، دانشجویان به تحصیل در این رشته مشغول‌اند. در سال‌های اخیر شاهد جریان تخصصی‌شدن مطالعات این حیطه نیز بوده‌ایم، که در تأسیس رشته‌هایی چون زبان‌شناسی رایانشی، علوم شناختی - زبان‌شناسی، و غیره از یک‌سو و هرچه تخصصی‌تر شدن همایش‌ها و نشست‌های علمی از سوی دیگر نمود یافته است. با وجود این، شاید تعجب‌برانگیز باشد که این علم آن‌چنان که باید، شناخته‌شده نیست و ظرفیت‌های میان‌رشته‌ای آن و گستره و طیف وسیع مطالعات مرتبط با این حیطه چندان نقد و بررسی نمی‌شود. زبان‌شناسی علمی است که از یک‌سو با علوم طبیعی در ارتباط است و حیطه‌های مطالعاتی چون آواشناسی، زبان‌شناسی بالینی، عصب‌شناسی زبان، زبان، و مغز را در بر می‌گیرد، و از سوی دیگر با علوم فنی در ارتباط است و حیطه‌هایی چون زبان‌شناسی رایانشی، آماری، ترجمه ماشینی، هوش مصنوعی، و غیره را شامل می‌شود. در عین حال، به منزله یکی از علوم وابسته به انسان، با سایر حوزه‌های علوم انسانی رابطه‌ای تنگاتنگ دارد. درباره علم زبان‌شناسی و جایگاه آن به عنوان یک رشته دانشگاهی و ماهیت

میان‌رشته‌ای آن، استادان این حیطه مقالاتی به رشته تحریر درآورده‌اند که از مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به مقالات نیلی‌پور (۱۳۵۴)، یارمحمدی، حق‌شناس، و نیلی‌پور (۱۳۷۸)، یارمحمدی، حق‌شناس، و نیلی‌پور (۱۳۸۲ الف و ب)، و دبیرمقدم (۱۳۸۶) اشاره کرد. در این مقاله‌ها، به ماهیت میان‌رشته‌ای زبان‌شناسی و شاخه‌های گوناگون آن و تکوین زبان‌شناسی به عنوان یک رشته اشاره شده، ولی این رابطه از جنبه‌های متفاوت شرح و بسط داده نشده است. سهلانی (۱۳۸۱) نیز ماهیت میان‌رشته‌ای زبان‌شناسی را با توجه به حیطه‌هایی چون معناشناسی، روان‌شناسی، و دستور بررسی کرده است. از میان پژوهش‌های غیرایرانی نیز می‌توان به مقاله ساپیر (Sapir, 1929) با عنوان «جایگاه زبان‌شناسی به عنوان یک علم» اشاره کرد که رابطه این رشته را با رشته‌هایی چون جامعه‌شناسی، مردم‌شناسی، و روان‌شناسی شرح داده است. هایمز (Hymes, 1967) به بررسی رابطه بین زبان‌شناسی و جامعه‌شناسی پرداخته است. هریس (Harris, 2004) در کتابی با عنوان *زبان‌شناسی تاریخ* به بررسی جامع رابطه فلسفه غرب تاریخ با فلسفه غرب زبان پرداخته است. در زمینه رابطه بین زبان‌شناسی و مردم‌شناسی می‌توان به کتاب *زبان‌شناسی مردم‌شناختی*، نوشته فولی (Foley, 1997)، و کتاب *مردم‌شناسی زبان‌شناختی*، نوشته دورانتی (Duranti, 2009)، اشاره کرد. نیومایر (Newmeyer, 1988) در کتابی با عنوان *سیاست زبان‌شناسی* به رابطه زبان‌شناسی با سیاست پرداخته است. پژوهش‌های بسیاری نیز در حیطه تحلیل گفتمان انتقادی رابطه سیاست و زبان‌شناسی را بررسی کرده‌اند. درباره زبان‌شناسی و فلسفه نیز می‌توان به بلاک (Black, 1949) و چامسکی (a, ۱۹۶۹) اشاره کرد. در رابطه با زبان‌شناسی و سیاست نیز می‌توان به چامسکی (b, ۱۹۶۹) و کتاب نیومایر (۱۹۸۸) با عنوان *سیاست زبان‌شناسی* اشاره کرد. درباره زبان‌شناسی و حقوق می‌توان به تیرسما و سولان (Tiersma and Solan, 2012)، آقاگل‌زاده (۱۳۸۶)، شای (۱۳۸۳)، استاجی (۱۳۸۵)، موسوی، موسوی، رضانی (۱۳۹۰)، و گیبونز (Gibbons, 1994) اشاره کرد.

البته در زمینه رابطه زبان با فلسفه و سیاست، زبان‌شناسی اجتماعی، روان‌شناسی زبان، زبان‌شناسی قضایی، و... نیز آثار فراوانی وجود دارد که در این مقاله از ذکر آن‌ها صرف‌نظر شده است.

۲. روش پژوهش

این پژوهش از نوع توصیفی - تحلیلی است. ابتدا، برای بررسی بُعد میان‌رشته‌ای

زبان‌شناسی، رابطه آن با برخی دیگر از رشته‌های علوم انسانی مانند جامعه‌شناسی، مردم‌شناسی، روان‌شناسی، تاریخ، فلسفه، سیاست، و حقوق با توجه به آرای گوناگون پژوهش‌گران ایرانی و غیر ایرانی شرح داده می‌شود. سپس، با مطالعه سرفصل‌های این رشته‌ها در دانشگاه‌های ایران، جایگاه زبان‌شناسی در برنامه آموزشی آن‌ها بررسی می‌شود.

۳. تعریف زبان و تاریخچه شکل‌گیری زبان‌شناسی

۱.۳ زبان چیست؟

تعریف استادان زبان‌شناسی اغلب این گونه است: زبان یک نظام قراردادی متشکل از نشانه‌های آوایی (یا دیداری) است که از طرف اعضای یک جامعه زبانی با هدف ارتباط به‌کار گرفته می‌شود. بنابراین، زبان قراردادی است، زیرا آواها و صورت‌های زبانی که برای اشاره به اشیا و مفاهیم و کنش‌ها به وسیله حدود ۶۰۰۰ زبان دنیا استفاده می‌شوند بسیار با یکدیگر تفاوت دارند. رابطه بین واژه و شیء یا مفهومی که به آن اشاره می‌کند همیشه قراردادی است (Nuessel, 2006: 665). بنابر این تعریف، زبان اولاً، سرشتی آوایی دارد و ثانیاً نقشی ارتباطی، ولی زبان انسان به جز نقش ارتباطی خود، نقش‌های مهم دیگری نیز دارد. به همین سبب، برخی از زبان‌شناسان بر آن‌اند که زبان پاره‌ای از شخصیت انسان است و لذا جزئی از سرشت او یا گوشه‌ای از هستی جمعی او و خانه فرهنگی و سطح و ساحت هستی قومی و تباری یا جهانی او هم هست (یارمحمدی و دیگران: ۱۳۸۲ الف: ۷۰).

کشفیاتی که منجر به درک عمیق‌تر از زبان می‌شود به‌شدت نگرش ما را به خود و جایگاهمان در جریان تحول و تکامل زیست‌شناختی و رشد فرهنگی و به‌ویژه در دنیای اجتماعی امروز و آینده تحت تأثیر قرار می‌دهد. درک عمیق‌تر از زبان پیش‌نیاز درک عمیق‌تر از انسان است (Chomsky, 2004: 3). زبان ابزاری است چندنقشی که به ما، به عنوان موجوداتی اجتماعی، امکان می‌دهد تا در زندگی روزمره‌مان با مردم تعامل داشته باشیم. فنآوری‌های متعدد به ما امکان داده است که برای ثبت وقایع گذشته و شرایط محیطی از به رمز درآوردن زبان استفاده کنیم. زبان محتوای فرهنگی را به شیوه‌های متفاوت و ظریف رمزگذاری می‌کند. انتخاب واژگانمان و صورت‌های دستوری خاصی که به‌کار می‌بریم نمایاننده ادراک ما از جهان است. می‌توان گفت که همه مرادفات اجتماعی ما گرد زبان و چه بسا نبود آن (سکوت) می‌چرخد. هنگام استفاده از زبان حجم چشم‌گیری از

اطلاعات متوازی درباره خود و باورهایمان به شیوه‌ای غیر مستقیم رمزگذاری می‌شود (Nuessel, 2006: 678). زبان اصلی‌ترین و مهم‌ترین چیزی است که تبلور یافته روح انسان و در واقع صورتی تمام و کمال برای بیان همه تجارب قابل بیان است. هر فردی می‌تواند صورت‌های زبانی بی‌نهایت متنوعی بر زبان آورد؛ البته با حفظ همان ویژگی‌های تمایزدهنده و خلاقیت و نوآوری همچون هنر. در واقع، زبان فراگیرترین و چشم‌گیرترین هنری است که می‌دانیم. زبان اثر هنری بزرگ ماست (Sapir, 1921: 235).^۲

به طور کلی، چهار مفهوم از زبان زیربنای شکل‌گیری زبان‌شناسی جدید بوده است: زبان به مثابه یک موضوع مطالعه، زبان به مثابه حقیقتی اجتماعی، زبان به مثابه یک اندام/ ارگان ذهنی، و زبان به مثابه موضوعی انتزاعی (zegarec, 2006: 345). مطالعه زبان هم برای روان‌شناسی و فلسفه سنتی که بخش مهمی از تاریخ تفکر غرب را تشکیل می‌دهد و هم برای تحقیق علمی معاصر در مورد ماهیت انسان حیاتی است. زبان از یک سو مختص نوع انسان است و بخش مهم موهبت زیست‌شناختی مشترک ماست، و از سوی دیگر به گونه‌ای سرنوشت‌ساز وارد حوزه تفکر، عمل، و روابط اجتماعی می‌شود (چامسکی، ۱۳۷۸: ۱۴). بنابراین، زبان در مرکز زندگی مان است و کاربرد آن زیربنای مطالعه همه رشته‌هاست. شناخت و درک زبان، هم به درون‌بینی و شناخت خودمان منجر می‌شود و هم ابزاری است برای کشف و بررسی جهان. زبان‌شناسی بر سه موضوع متمرکز است: تعریف دقیق «دانستن» و به اصطلاح بلد بودن یک زبان»، در اختیار قرار دادن روش‌هایی برای توصیف این دانش، و توضیح و تبیین این‌که چرا دانش زبانی به این شکل است (Smith, 2006: 341).

۲.۳ تاریخچه زبان‌شناسی به عنوان یک رشته علمی

زبان‌شناسی را هم می‌توان دانشی کهن و هم علمی جدید تلقی کرد. اولین سنت‌های زبان‌شناسی شناخته شده ریشه در دوران باستان و جوامعی دارد که در آن‌ها نظام خط وجود داشته است. در بیشتر این جوامع مطالعات زبان‌شناسی ریشه در مسائلی چون تغییر زبان و تأثیر حاصل از آن بر مذهب و حیطه‌های حقوقی داشته است (Campbell, 2002)؛ ولی معتبرترین سندی که از قدمت مطالعات زبان‌شناسی در دست داریم، به مطالعات پانینی در هند باستان در حدود ۴۵۰ سال پیش از میلاد مسیح می‌رسد، یعنی تقریباً هم‌زمان با دوره طلایی پریکلس^۳ در آتن. اهمیت مطالعات زبانی در سایر علوم را می‌توان از آن‌جا نیز دریافت که از هفت علم مقدماتی (liberal arts) دوران باستان و قرون وسطا (دروس پایه در

تمام رشته‌ها)، سه مورد به زبان مرتبط بودند (دستور، بلاغت، و منطق). پرداختن به تاریخچه موضوعی چون زبان‌شناسی بسیار پیچیده است، زیرا در واقع مشخص کردن مرز زبان‌شناسی و زیرشاخه‌هایش با سایر رشته‌ها کار دشواری است. با این‌که هزاران سال است که پژوهش‌گران به موضوعات زبان‌شناختی توجه داشته‌اند، به‌نظر می‌رسد نهادینه‌شدن زبان‌شناسی به قرن نوزدهم بازمی‌گردد؛ هرچند که در بسیاری از کشورها ایجاد نخستین کرسی زبان‌شناسی همگانی بیش از این‌ها طول کشید. البته پیش از اولین کرسی زبان‌شناسی همگانی، کرسی‌هایی در زبان‌شناسی تاریخی - تطبیقی (comparative linguistics/ philology) و آواشناسی تشکیل شده بودند. علاوه بر این، کرسی‌هایی در لاتین، یونانی، و زبان‌های شرقی (که معمولاً منظور عبری (Hebrew) است) در بیش‌تر دانشگاه‌های قرن هفدهم وجود داشته است و در قرن نوزدهم کرسی زبان‌شناسی تطبیقی، زبان‌های جدید، و در نهایت آواشناسی و زبان‌شناسی همگانی تأسیس شد (Tiedemann, 2006: 237). در ادامه، به چگونگی شکل‌گیری زبان‌شناسی به عنوان یک رشته در امریکا اشاره می‌شود.

اندیشه شکل‌گیری زبان‌شناسی به عنوان رشته دانشگاهی در امریکا به دهه ۱۸۶۰ بازمی‌گردد و بنیان‌گذار آن ویلیام دوایت ویتنی (Whitney, 1867)، استاد زبان سانسکریت و مدرس زبان‌های جدید در دانشگاه ییل، بود. بعدها ویتنی کتابی نوشت به نام *زبان و مطالعه زبان: دوازده درس درباره اصول علم زبان‌شناسی* (*Language and the study of language: twelve lectures on the principles of linguistic science*) که مهم‌ترین متن زبان‌شناسی قرن نوزدهم امریکا شد. محور اصلی برنامه دوره دکتری زبان‌شناسی تاریخی - تطبیقی که او در سال ۱۸۶۹ در دانشگاه ییل تأسیس کرد طبقه‌بندی زبان‌ها بر مبنای خویشاوندی و رده‌شناختی و دلایل تغییر زبان بود. در پایان قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم، فرانتس بوآس (Franz Boas, 1858-1942) که از معدود استادان مردم‌شناسی در دانشگاه کلمبیای شهر نیویورک و در سراسر امریکای شمالی به‌شمار می‌رفت، مطالعات زبان‌شناختی زبان‌های بومی امریکایی را به عنوان یکی از درس‌های اصلی دوره دکتری مردم‌شناسی ارائه داد. او از یادداشت‌های پژوهش‌های میدانی خود درباره زبان‌های سواحل شمال غربی برای نشان‌دادن تحلیل‌های زبان‌شناختی در کلاس درس استفاده می‌کرد. کتاب *دست‌نامه زبان‌های سرخ‌پوستان امریکا* (*Handbook of American Indian Languages*) (۱۹۱۱) الگویی برای تحلیل زبان‌شناختی ارائه می‌داد که دانشجویان می‌توانستند در رساله‌های خود از آن استفاده کنند. با وجود این، تا دهه‌های اول قرن بیستم یک گروه مستقل زبان‌شناسی ایجاد نشده بود

و برنامه‌های زبان‌شناسی را استادانی ارائه می‌دادند که در گروه‌های دیگر چون مردم‌شناسی، زبان و ادبیات‌های کلاسیک، انگلیسی، آلمانی، سامی، زبان‌های مرتبط با کتاب دینی، و غیره (ibid: 234-235) مشغول فعالیت بودند.

۴. گسترهٔ زبان‌شناسی و رابطهٔ آن با سایر رشته‌های علوم انسانی

دامنهٔ مطالعات زبان‌شناسی بسیار گسترده است. عاصی (۱۳۸۴) بر این نظر است که اهمیت ارتباطی زبان، موجب دخالت آن در بسیاری از حوزه‌های دیگر می‌شود و تعامل زبان‌شناسی با رشته‌های علمی دیگر، میان‌رشته‌ای‌های گوناگونی را به وجود آورده است. دبیرمقدم (۱۳۸۶) نیز به نقش و کاربرد زبان‌شناسی و نقش آن در ارزیابی ترجمه‌ها و تألیف کتاب‌های درسی، تحلیل متون و خبر از نظر گفتمان، و تحلیل گفتمان انتقادی در گروه‌های آموزشی چون ارتباطات اشاره می‌کند (دبیرمقدم، ۱۳۸۶: ۹۷-۱۲۵). به طور کلی، بسیاری از مباحث کاربردی زبان‌شناسی در شاخه‌ای با عنوان زبان‌شناسی کاربردی (applied linguistics) مطرح می‌شوند.

تعریف زبان‌شناسی کاربردی، فراگیری زبان دوم تا برنامه‌ریزی زبانی، بوم‌شناسی زبان تا اختلال‌ها، و آموزش زبان مادری تا زبان‌شناسی قضایی / حقوقی را در بر می‌گیرد. پژوهش‌های حیطهٔ زبان‌شناسی کاربردی طیف وسیعی از موضوعات را شامل می‌شود که می‌توان آن‌ها را در چند گروه طبقه‌بندی کرد: برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری زبانی (language planning and policy)، جنبه‌های روانی - زبانی چندزبانگی، و جنبه‌های اجتماعی - زبانی چندزبانگی (Bot, 2006: 356). یکی از تعاریفی که حیطهٔ زبان‌شناسی کاربردی را بسیار گسترده در نظر می‌گیرد از سوی انجمن زبان‌شناسی کاربردی استرالیا ارائه شده است. در تارنمای این انجمن اهداف زبان‌شناسی کاربردی به این شرح اعلام شده است: روش‌شناسی آموزش، یادگیری، و ارزیابی زبان (زبان مادری یا زبان خارجی)؛ آموزش چندفرهنگی در جامعه شامل غیر بومی‌ها، مهاجران، و سایر گروه‌ها؛ فناوری آموزش زبان؛ مشکلات مرتبط با زبان و فرد (مشکل در فراگیری زبان اول و نقص در کارکرد)؛ مشکلات مرتبط با زبان و اجتماع (برنامه‌ریزی زبانی و معیارسازی زبان)؛ نظریهٔ ترجمه و ترجمهٔ عملی؛ تحلیل و تعبیر گفتمان شفاهی یا نوشتاری (شامل سبک‌شناسی، شعرشناسی، و کاربردشناسی)؛ مطالعهٔ زبان در رابطه با سایر نظام‌های نشانه‌شناختی (شامل فیلم، تئاتر، پانتومیم، رقص، و غیره) (Murray, 2006: 342).

به این ترتیب، علایق مشترک بین زبان‌شناسی با سایر رشته‌ها موجب به‌وجود آمدن مجموعه‌ای از شاخه‌های جدید در بافت‌های کاربردی و غیر آن شده است؛ مانند زبان‌شناسی مردم‌شناختی، زبان‌شناسی بالینی، زبان‌شناسی رایانشی، زبان‌شناسی انتقادی، زبان‌شناسی رشدی/ تحولی، زبان‌شناسی آموزشی، زبان‌شناسی قومی، زبان‌شناسی قضایی، زبان‌شناسی جغرافیایی، زبان‌شناسی صلح (peace linguistics)، زبان‌شناسی فلسفه‌شناختی، روان‌شناسی زبان، زبان‌شناسی کمی، زبان‌شناسی اجتماعی، زبان‌شناسی آماری، زبان‌شناسی الهی (theolinguistics)، و زبان‌شناسی کاربردی (Cristal, 2008: 284).

در ادامه، رابطه بین مطالعات زبان با برخی از رشته‌های علوم انسانی و جایگاه آن در برنامه‌دستی این رشته‌ها بررسی می‌شود.

۱.۴ زبان‌شناسی و جامعه‌شناسی

زبان شاخص واقعیت اجتماعی است و از این رو موجد و محافظ روابط اجتماعی و خصوصاً مناسبات اقتدارآمیز و ارزش‌ها و هویت‌های آن به‌شمار می‌آید (محمدی اصل، ۱۳۸۹: ۱۵). زبان راهنمایی است برای «واقعیت اجتماعی». با این‌که زبان به‌طور معمول موضوع اصلی مورد توجه دانشجویان علوم اجتماعی نیست، تفکر ما از مسائل و فرایندهای اجتماعی به‌شدت تحت تأثیر آن قرار دارد. انسان بیش از هرچیز در سایه زبانی قرار دارد که در جامعه به عنوان ابزار بیان استفاده می‌شود. این باور که فرد می‌تواند بدون استفاده از زبان، خود را با واقعیت تطبیق بدهد و این‌که زبان تنها وسیله‌ای نه‌چندان پراهمیت برای حل مشکلات ارتباطی است، تصویری واهی است. واقعیت این است که «دنیای واقعی» تا حد زیادی به‌طور ناخودآگاه بر پایه عادات‌های زبانی یک گروه بنا می‌شود (Sapir, 1929: 209).

نگاه به زبان به عنوان یک واقعیت اجتماعی که از سوی فردینان دو سوسور (۱۹۱۶) مطرح شد، به تغییر مسیر از نگاه غالب تاریخی به زبان به مطالعه زبان به عنوان یک نظام، منجر شد. به باور سوسور زبان را باید از دیدگاه کاربرانش بررسی کرد؛ کاربرانی که عموماً هیچ اطلاعی از تاریخچه رشد و توسعه زبان ندارند. از دیدگاه سوسور، زبان یک حقیقت اجتماعی است که با سایر نهادهای اجتماعی در ارتباط است (Zegarec, 2006: 345). این گونه ملاحظات جامعه‌شناختی درباره زبان، شاخه‌ای از زبان‌شناسی با عنوان زبان‌شناسی اجتماعی را شکل داد که خود زیرشاخه‌های گوناگونی را در بر می‌گیرد.

زبان‌شناسی اجتماعی به زبان افراد به عنوان اعضای یک گروه خاص در مراودات بافت وابسته می‌پردازد که علاوه بر دستور و واژگان، با توجه به نیروهای اجتماعی و فرهنگی، آنچه می‌تواند گفته شود و شیوه گفتن آن را محدود می‌کند. به این ترتیب، برای مشارکت در یک تعامل، هم دانش زبانی نیاز است و هم دانش اجتماعی (Gumperz, 2006: 724). همه جنبه‌های رابطه بین زبان و جامعه در قالب موضوعاتی مانند هویت زبانی گروه‌های اجتماعی، نگرش‌های اجتماعی به زبان، صورت‌های معیار و غیر معیار زبان، الگوها و نیازهای کاربرد زبان ملی، گونه‌های اجتماعی و سطوح زبان، پایه اجتماعی چندزبانگی، و غیره در این حیطه بررسی می‌شوند. نام دیگر این گونه مطالعات جامعه‌شناسی زبان است. هر یک از شاخه‌های زبان‌شناسی می‌توانند به طور جداگانه از جنبه اجتماعی بررسی شوند و از این روست که با اصطلاحاتی چون آواشناسی اجتماعی یا معناشناسی اجتماعی نیز مواجه می‌شویم (Cristal, 2008: 440-441). از زیرشاخه‌های زبان‌شناسی اجتماعی می‌توان به زبان‌شناسی اجتماعی تعاملی و تاریخی اشاره کرد. در رویکرد تعاملی، روش‌های تعبیری تحلیل گفتمان برای آگاهی از مسائل متعدد ارتباطی در محیط اجتماعی استفاده می‌شود (Gumperz, 2006: 724). و در رویکرد تاریخی صورت‌ها و کاربرد و نقش زبان در جامعه و شکل‌گیری تنوع در طول زمان در یک زبان خاص یا یک جامعه خاص و گروه‌های اجتماعی و افراد بررسی می‌شود (Cristal, 2008: 440).

بررسی برنامه درسی رشته علوم ارتباطات اجتماعی مقطع کارشناسی نشان می‌دهد که در این رشته مباحثی مانند اصول علم سیاست، حقوق، و مبانی روان‌شناسی در برنامه درسی گنجانده شده، ولی درسی مرتبط با زبان‌شناسی دیده نمی‌شود. در مقطع دکتری در گرایش جامعه‌شناسی فرهنگی، دو واحد جامعه‌شناسی زبان در برنامه درسی گنجانده شده است؛ ولی در سایر گرایش‌ها این درس ارائه نمی‌شود.

۲.۴ زبان‌شناسی و تاریخ

قرن نوزدهم، یعنی دوره‌ای که زبان‌شناسی به عنوان یک رشته مشروعیت یافت، به دوره زبان‌شناسی تاریخی - تطبیقی نیز شهرت دارد. در این دوره، منظر تاریخی، رویکرد غالب مطالعات بود و مهم‌ترین دستاورد آن بازسازی زبان هند و اروپایی مادر بود که منشأ زبان‌های هند و اروپایی است. در این دوره، مطالعات از شکل صرفاً تطبیقی رایج در اواخر قرن هجدهم به مطالعات تاریخی تغییر کرد و دو اصطلاح تطبیقی و تاریخی در کنار هم و

با معنای نسبتاً مشابهی به کار رفتند (Fox, 2006: 317). در توضیح رابطه بین زبان‌شناسی و تاریخ، مارک بلاش (Mark Bloch)، مورخ فرانسوی، در دهه ۱۹۴۰ چنین می‌گوید: «چه نامعقول و احمقانه است اگر فکر کنیم انسان‌ها که نیمی از مواقع تنها دسترسی‌شان به وقایع از طریق واژه‌هاست، مجازند در کنار سایر کاستی‌ها و نقص‌ها، به دستاوردهای بنیادین زبان‌شناسی نیز بی‌توجه باشند». با وجود چنین اظهاراتی، رابطه متقابل بین این دو رشته هیچ‌گاه به طور کامل حاصل نشده است. تجزیه فقه‌اللغه یا زبان‌شناسی تاریخی - تطبیقی به شاخه‌های گوناگون زبان‌شناسی از دهه ۱۹۶۰ که هدف همه فقط تمرکز بر زبان در شکل کاربردی امروزی‌اش بود نشان‌دهنده این است که مطالعه ساختار زبان و متن در بافت تاریخی‌شان برجستگی و اهمیت اولیه را از دست داده است. «تغییرات زبان‌شناختی» که به همت مورخان بررسی می‌شود از دهه ۱۹۷۰ به بعد رابطه چندانی با زبان‌شناسی به آن مفهومی که زبان‌شناسان در نظر دارند نداشته است (Langer. et. al, 2012: 3). باستانی (۱۳۸۹) نیز با اشاره به مبحث جغرافیای تاریخی، بر اهمیت واژه‌شناسی تاریخی و بررسی تاریخ زبان‌ها، گویش‌ها، و لهجه‌ها در قلمرو جغرافیایی، قومی، و فرهنگی در بررسی سیر تحولات تاریخی تأکید می‌کند. درست است که هنوز پیوند بایسته‌ای میان دانش زبان‌شناسی، به‌ویژه زبان‌شناسی تاریخی، با پژوهش و آموزش در تاریخ ایران صورت نگرفته است، اما توجه به این حلقه مفقوده می‌تواند به بسیاری از پرسش‌های تاریخی پاسخ دهد (باستانی، ۱۳۸۹: ۴۳).

اولین گام‌ها برای از بین بردن این انزوای ده سال گذشته از طریق حیطه زبان‌شناسی اجتماعی تاریخی برداشته شده و در این حیطه همایش‌های گوناگونی برگزار شده است. مجموعه مقاله‌های این حیطه و تفکر تأسیس شبکه زبان‌شناسی اجتماعی تاریخی به آگاهی وسیع‌تر به شباهت‌ها و تفاوت‌های زبان‌های مرتبط یا مجاور منجر شده است. از سوی دیگر، زبان اولین وسیله دسترسی به گذشته و اولین ابزار تاریخ‌دانان برای بیان مطالبشان است. تاریخ‌دانان نیازمند تسلط به زبان‌های مختلف و آن‌هم نه تنها در حد واژه، بلکه فراتر از آن‌اند و برای تعبیر منابعشان باید با شیوه‌های تحلیل کلام آشنا باشند. تعبیر منابع تاریخی نیازمند درک عمیق نقش اجتماعی زبان به واسطه معناشناسی واژگانی، کاربردشناسی تاریخی، یا زبان‌شناسی متن است. بررسی یک منبع تاریخی باید با توجه به بافت صورت بگیرد و این نکته در مطالعات تاریخی امری بنیادی است. در سطح کاربردشناسی چنین ملاحظاتی احتمال اشتباه را کاهش می‌دهد و پرداختن به جزئیات را

ممکن می‌کند. بدون درک اهمیت اجتماعی - زبانی چنین نشانه‌های زبان‌شناختی، تعبیرهای متن تاریخی حتی در بهترین حال هم خام و ناپخته است و حتی شاید کاملاً اشتباه باشد. در واقع، نه فقط زبان، بلکه زبان‌شناسی نیز باید در جعبه ابزار تاریخ‌دانان وجود داشته باشد (Langer et al., 2012: 4-6).

بررسی برنامه درسی رشته تاریخ در مقطع کارشناسی نشان می‌دهد که با وجود مباحثی چون مبانی علم سیاست، کلیات جغرافی (با تکیه بر جغرافیای ایران)، مبانی جامعه‌شناسی، روان‌شناسی اجتماعی، ادیان ایران باستان، و فرهنگ و تمدن ایران، هیچ واحدی مرتبط با زبان‌شناسی در برنامه درسی این رشته گنجانده نشده است. این وضعیت در گرایش‌های گوناگون رشته تاریخ در مقطع کارشناسی ارشد نیز به چشم می‌خورد؛ البته در این مقطع درس شناخت خط و زبان‌های ایران باستان نیز ارائه می‌شود. در مقطع دکتری در برخی دانشگاه‌ها تلاش شده است که در قالب درس تحلیل گفتمان به مباحث زبان‌شناختی پرداخته شود (به طور نمونه، دانشگاه الزهرا)؛ هرچند که این درس در برنامه درسی مصوب دیده نمی‌شود. البته در مقطع دکتری رشته ایران باستان، قرائت و بررسی کتیبه‌های عصر باستان و دوران اشکانی و ساسانی و زبان اوستایی در برنامه درسی جای دارد ولی اشاره‌ای به زبان‌شناسی نشده است.

۳.۴ زبان‌شناسی و مردم‌شناسی

ارزش زبان‌شناسی برای مردم‌شناسی و تاریخ فرهنگ از مدت‌ها پیش شناخته شده است. با پیش‌رفتن پژوهش‌های زبان‌شناختی نقش زبان به عنوان ابزاری کارآمد برای علوم مرتبط با انسان به اثبات رسیده است. از سوی دیگر، خود زبان نیز محتاج نور روشن‌گر این علوم بوده و از آن بهره برده است. برای زبان‌شناس امروز بسیار سخت است که خود را به موضوع سستی مطرح در علم زبان‌شناسی محدود کند. بعید است که یک زبان‌شناس بتواند علایق دوجانبه زبان‌شناسی با مردم‌شناسی، تاریخ، فرهنگ، جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، فلسفه، و کمی دورتر فیزیک و فیزیولوژی را نادیده بگیرد (Sapir, 1929: 209).

در کارکرد واقعی تاریخی زبان و فرهنگ، زبان‌ها را نمی‌توان از فرهنگ جدا کرد و زبان جزء جدایی‌ناپذیر فرهنگ است. هیچ زبانی (به معنای جامع کلمه) نمی‌تواند وجود داشته باشد مگر آن‌که در بافت یک فرهنگ شکل گرفته باشد؛ و هیچ فرهنگی نمی‌تواند وجود داشته باشد مگر آن‌که در مرکز خود ساختار یک زبان طبیعی را داشته باشد. شاید بتوان در

حکم نوعی انتزاع روش‌شناختی، زبان را پدیده‌ای مجزا تلقی کرد؛ ولی در کارکرد واقعی‌اش، در یک نظام فرهنگی عام‌تر جا دارد و همراه با آن یک کل مجتمع را به وجود می‌آورد (لوتمان و دیگران، ۱۳۹۰: ۴۴). آگاهی از مکانیسم‌های زبانی و تحول تاریخی آن برای پژوهندگان فرهنگ انسان اهمیت بسیار دارد. از این منظر زبان راهنمای نمادین فرهنگ است. به این معنا که شبکه‌الگوهای فرهنگی یک تمدن در زبانی که آن تمدن را توصیف می‌کند متبلور می‌شود. زبان‌شناسی در مطالعه پدیده فرهنگی اهمیت زیادی دارد و روزی می‌رسد که تلاش برای شناخت فرهنگ‌های اولیه (پیشین) بدون کمک زبان آن جامعه کاری ناشیانه به نظر خواهد رسید؛ درست همانند تلاش تاریخ‌نگاری که نمی‌تواند مدارک و منابع اصلی مرتبط با تمدنی که توصیف می‌کند را به کار ببرد (Sapir, 1929: 209).

اصطلاح مردم‌شناسی زبان‌شناختی (linguistic anthropology) به مطالعه زبان در بافت فرهنگ و جامعه اشاره می‌کند. در این حیطه، مطالعات و مسائل زبان‌شناسی، به عنوان فعالیت‌های مهم فرهنگی که زندگی اجتماعی را می‌سازند، تحلیل می‌شوند. کاربرد زبان در موقعیت‌های متفاوت، نمونه‌ای از فرایند معناسازی است که دنیای اجتماعی را با ارزش‌ها و علائق گوناگون، موضع‌گیری‌های سیاسی، و هویت‌های متفاوت شکل می‌دهد. مردم‌شناسی زبان‌شناختی نقش تعامل اجتماعی و فرایندهای نشانه‌شناختی وابسته به آن را در ایجاد، و اعتباربخشیدن به تفاوت‌ها و تمایزها بررسی می‌کند (Gal, S, 2006: 171).

بررسی برنامه درسی رشته علوم اجتماعی گرایش مردم‌شناسی مقطع کارشناسی، گویای آن است که در کنار دروس میان‌رشته‌ای مانند روان‌شناسی، مبانی فلسفه، و اصول علم سیاست، دو واحد درس نماد و نشانه‌شناسی و دو واحد زبان‌شناسی از دیدگاه انسان‌شناسی در برنامه درسی گنجانده شده است. در مقطع کارشناسی ارشد مردم‌شناسی (گروه انسان‌شناسی) نیز درس زبان و فرهنگ در ایران ارائه می‌شود که برخی از مباحث زبان‌شناختی را پوشش می‌دهد.

۴.۴ زبان‌شناسی و روان‌شناسی

روان‌شناسان روزبه‌روز بیش از پیش با داده‌های زبانی درگیر می‌شوند. تاکنون این‌که آیا روان‌شناس می‌تواند به درک رفتار زبانی و رای آنچه زبان‌شناس از داده‌های زبانی به دست می‌آورد کمک کند، مورد تردید بوده است. اما این باور به سرعت در حال رشد است که تبیین روان‌شناختی ارائه‌شده از سوی زبان‌شناسان باید به صورت کلی‌تر بازگو شود؛ به

گونه‌ای که حقایق کاملاً زبان‌شناختی، صورت‌های خاصی از رفتار نمادین در نظر گرفته شود. روان‌شناسان غالباً خود را به پایه‌های روانی-فیزیکی (psycho-physical) گفتار محدود می‌کنند و چندان ماهیت نمادین را مطالعه و بررسی نمی‌کنند. در حالی که در واقع در نمادپردازی است که صورت‌ها و فرایندهای زبانی به غنای روان‌شناسی کمک می‌کند (Sapir, 1929: 211).

یکی از شاخه‌های میان‌رشته‌ای زبان‌شناسی، روان‌شناسی زبان است که طیف وسیعی از مطالعات زبان‌شناختی در چهارچوب این حیطه جای می‌گیرد و بیش از هرچیز به بررسی رابطه متقابل بین رفتار زبانی و فرایندهای روان‌شناختی زمینه‌ساز آن رفتار می‌پردازد. در واقع، از یک سو می‌توان از زبان به عنوان ابزاری برای استخراج نظریه‌ها و فرایندهای روان‌شناسی استفاده کرد (به طور مثال، نقش زبان و تأثیر آن در حافظه، ادراک، توجه، یادگیری، و غیره) که گاهی از آن به زبان‌شناسی روان‌شناختی (psychological linguistics) نیز یاد می‌شود. و از سوی دیگر می‌توان تأثیر محدودیت‌های روان‌شناختی را بر کاربرد زبان سنجید (به طور مثال، محدودیت‌های حافظه چگونه بر تولید و ادراک زبان تأثیر می‌گذارند؟) که این موضوع بیشتر مورد توجه زبان‌شناسی است (Crystal, 2008: 396). با این‌که مطالعه زبان از همان سال‌های آغازین بخشی از روان‌شناسی بوده است، رشته روان‌شناسی زبان در اواخر دهه ۱۹۵۰ و در پاسخ به تأثیر چامسکی به وجود آمد. در سال‌های اولیه، این رشته منعکس‌کننده مسائلی مورد توجه زبان‌شناسی و نقش کلیدی نحو بود و روان‌شناسان به مسائلی چون تأثیر نحو در تعبیر جملات یا این‌که مردم از یک جمله بی‌معنا چند واژه را در حافظه نگه می‌دارند، و غیره می‌پرداختند. به عبارتی، پردازش جمله از اولین موضوعات مورد توجه بود، ولی بعدها به مسائل گوناگونی در این حیطه توجه شد (Anderson, 2006: 265) که می‌توان به بررسی فرایند فراگیری زبان اول، یادگیری زبان دوم، حافظه، زبان، و غیره اشاره کرد. احتمالاً هنوز تا ارتباط و تلفیق واقعاً ثمربخش مطالعات زبان‌شناختی و روان‌شناختی راه بسیار مانده است. زبان‌شناسی به‌ویژه برای روان‌شناسی گشتالتی (Gestalt psychology) ارزش ویژه‌ای دارد، زیرا در بین همه صور فرهنگی به نظر می‌رسد این زبان است که الگوهای بنیادینش جدا از سایر الگوهای فرهنگی رشد می‌کند. به این ترتیب، این امید وجود دارد که زبان‌شناسی راهنمایی برای درک «جغرافیای روان‌شناختی» (psychological geography) فرهنگ در بعد وسیع باشد (Sapir, 1929: 212).

بررسی برنامه درسی رشته روان‌شناسی گویای آن است که در رشته روان‌شناسی کودکان استثنایی در مقطع کارشناسی درسی با عنوان اختلالات تکلم و گفتاردرمانی ارائه می‌شود که با زبان‌شناسی مرتبط است؛ ولی درسی با عنوان روان‌شناسی زبان در برنامه قرار ندارد. در مقطع کارشناسی ارشد نیز در گرایش‌های گوناگون با وجود ارائه مباحث میان‌رشته‌ای چون روان‌شناسی اجتماعی، روان‌شناسی ادراک، و غیره، روان‌شناسی زبان در برنامه گنجانده نشده است. در مقطع دکتری در گرایش روان‌شناسی تربیتی درسی با عنوان تفکر و زبان ارائه می‌شود که از مباحث زبان‌شناختی است.

۵.۴ بررسی رابطه زبان‌شناسی و فلسفه

زبان همیشه از موضوعات مورد توجه فلاسفه بوده است. توانایی ما در درک و کاربرد زبان از مشخصه‌های بارز ظرفیت‌شناختی ما است و هر کوششی برای توصیف و تبیین شناخت باید زبان را نیز مورد توجه قرار دهد. رابطه زبان و فلسفه آن قدر عمیق است که یکی از مرکزی‌ترین شاخه‌های فلسفه، فلسفه زبان است (Snowdon, 2006: 84). برای پرداختن به زبان‌انگیزه‌های فلسفی نیز وجود دارند که نه با مسائل یکی از شاخه‌های فلسفه، بلکه با انواعی از فعالیت‌ها ارتباط دارند. برخی حتی معتقدند که فلسفه را می‌توان یک فعالیت زبانی محض دانست (آلستون، ۱۳۸۱: ۲۶).

در سال‌های اخیر، فلسفه نیز بیش از هر زمان دیگری توجه خود را به مسائل زبانی معطوف کرده است. دیگر آن دوران که صورت‌ها و فرایندهای دستوری ساده‌انگارانه از سوی فلاسفه به موجودیت‌هایی متافیزیکی تفسیر می‌شدند، گذشته است. فیلسوف نیازمند درک زبان است؛ البته اگر اول بتواند در برابر عادات زبان خویش مقاومت کند. به این ترتیب، چندان تعجب‌برانگیز نیست که فلسفه برای این‌که منطق را از دام و پابند دستور زبان رها کند و دانش و معنای نمادپردازی را دریابد، به نقد خود فرایند زبان دست زده است. زبان‌شناسی باید در جایگاهی عالی قرار داشته باشد تا بتواند در روند شفاف‌سازی تلویحات، اصطلاحات، و روال‌های زبان‌شناسی به ما کمک کند. در بین همه رشته‌های علوم انسانی، دانشجویان زبان‌شناسی با توجه به ماهیت موضوع مورد مطالعه‌شان باید نسبی‌گراترین باشند (Sapir, 1929: 209).

بررسی برنامه درسی رشته فلسفه در ایران نشان می‌دهد که در این رشته نیز به مباحث مرتبط با سایر رشته‌های علوم انسانی توجه شده و در مقطع کارشناسی دروسی چون

مکاتب روان‌شناسی و مکاتب جامعه‌شناسی در برنامه‌ی درسی گنجانده شده است؛ ولی درسی که به رابطه‌ی بین زبان‌شناسی و فلسفه بپردازد، دیده نمی‌شود. در مقطع کارشناسی ارشد نیز دروسی چون زبان یونانی و زبان لاتین ارائه می‌شود و با وجود این‌که دروسی مانند فلسفه ریاضی و فلسفه منطق در برنامه‌ی درسی جای دارد، به فلسفه زبان اشاره‌ای نشده است. همین وضعیت در مقطع دکتری نیز به چشم می‌خورد.

۶.۴ زبان‌شناسی و سیاست

آرنت، از مشهورترین متفکران سیاسی معاصر، در کتاب وضع بشر، بر ارتباط زبان و سیاست با ذکر این نکته تأکید می‌کند که هر کجا معناداری سخن و گفتار مطرح است، موضوع صبغه‌ای سیاسی می‌یابد، زیرا سخن همان چیزی است که انسان را به موجودی سیاسی تبدیل می‌کند (دالمایر، ۱۳۸۹: ۱۳). بسیاری از دانشجویان علوم سیاسی، در دهه‌های اخیر، بر اهمیت زبان یا به طور عام‌تر ارتباطات نمادین برای بقا و انتظام جوامع یا نظام‌های سیاسی تأکید کرده‌اند. از دید آن‌ها، ارتباطات اساساً مؤید جریان و مبادله مستمر پیام است، یعنی انتقال مستمر اطلاعات بین فرستندگان و دریافت‌کنندگان گوناگون در جامعه (همان: ۶-۷).

بنابراین، زبان وسیله‌ای است برای برقراری ارتباط با دیگران و طرح مباحث گوناگون از جمله مباحث سیاسی که چون از اعتقادات ناشی می‌شوند، مباحثی ایدئولوژیک نیز هستند. زبان چیزی جدا از محمول خود نیست. از طریق زبان می‌توان به ایده‌ی افراد و نیز چگونگی شکل‌گیری آن‌ها پی برد. بنابراین، هنگامی که یک متن سیاسی را از دیدگاه زبانی تحلیل می‌کنیم، باید به دو نکته مهم توجه داشته باشیم. اول این‌که زبان چگونه ایده‌ی ایدئولوژیک افرادی را که موضع سیاسی خاصی دارند منعکس می‌کند و دوم این‌که خوانش خوانندگان از یک متن چگونه تحت تأثیر ایده‌ی ایدئولوژیک آن‌ها قرار می‌گیرد (بیرد، ۱۳۸۵: ۳۷).

دانشجویان علوم سیاسی با حوزه گسترده‌ای از پدیده‌های متنوع مواجه‌اند. در واقع، به‌ندرت می‌توان موضوعی یافت که نتوان آن را در حوزه تحلیل سیاسی قرار داد. هیچ دلیل قانع‌کننده‌ای هم برای مستنکر کردن پدیده‌های زبانی وجود ندارد. در این روش زبان را می‌توان در ردیف موضوعات متعارفی چون رفتار انتخاباتی، تاکتیک‌های فشار، و سیاست‌گذاری دولتی و تأثیرات آن قرار داد. وقتی زبان به مثابه حوزه ساخت‌مندی تلقی می‌شود که متخصصان زبان‌شناس و لغت‌شناس و دستوردان آن را پرورش می‌دهند، ربط

آن ممکن است در چهارچوب یک رابطه میان‌رشته‌ای تحلیل شود و همبستگی زبان و سیاست همانند سایر رشته‌های زوجی تلقی شود؛ مانند سیاست و پزشکی، سیاست و ادبیات (دالمایر، ۱۳۸۹: ۶-۷). هستی‌شناسی سیاسی یک کشور در ساختارهای سیاسی، قدرت، و دولت خلاصه نمی‌شود، بلکه ساختارهای زبان و کاربردهای آن نیز می‌تواند بخشی از هستی سیاسی باشد و از طریق تحلیل آن می‌توان به دنیای پنهانی و ناشناخته‌ای از «امر سیاسی» و «هستی سیاسی» پی برد؛ به‌ویژه که زبان ارتباط تنگاتنگی با ایدئولوژی و قدرت دارد (ادیب‌زاده، ۱۳۸۷: ۱۰). زبان‌شناسی سیاسی تلاشی است برای تلفیق پژوهش علمی، که به تحلیل گفتمان سیاسی می‌پردازد، با یک رشته علمی و این «مطالعه زبانی ارتباط سیاسی» یکی از زیرشاخه‌های زبان‌شناسی است (Wodak, 2006: 707).

با وجود این، بررسی برنامه درسی رشته علوم سیاسی در مقطع کارشناسی، گویای آن است که به رغم توجه به مباحثی چون حقوق و جامعه‌شناسی، به نقش زبان‌شناسی در سیاست توجهی نشده است. در مقطع کارشناسی ارشد و دکتری نیز وضعیت مشابهی دیده می‌شود.^۵

۷.۴ زبان‌شناسی و حقوق

علاقه و توجه به زبان حقوقی پدیده جدیدی نیست و پژوهش در سطح وسیع در این حیطه در نیمه دوم قرن بیستم انجام شده است. آنچه در ابتدا در این حیطه مورد توجه بود، سبک، واژگان، و ساختار متون حقوقی به‌ویژه زبان قانون‌گذاری بود؛ (Kurzon, 2006: 728). حقوق همواره مورد توجه مردم‌شناسان، روان‌شناسان، جامعه‌شناسان، و سیاست‌مداران بوده است. اکنون زبان‌شناسان نیز به مسائلی چون تشخیص صدا، تعیین هویت نویسنده، اسناد مکتوب، عدم توازن قدرت در دادگاه‌ها، ارتباط ناموفق وکیل و موکل، ماهیت شهادت دروغ، مشکلات مربوط به فهم متون قانونی، تهمت و افترا، تقلب در عنوان‌های تجاری، تعبیر و ترجمه مکالمات در دادگاه‌ها، و ماهیت مکالمات ضبط‌شده‌ای که برای دلیل ارائه می‌شود می‌پردازند. گرچه این حوزه مطالعات را می‌توان زبان‌شناسی کاربردی دانست، اصطلاح زبان‌شناسی قانونی از سال ۱۹۸۰ تا کنون به این حوزه اطلاق می‌شود. از سال ۱۹۹۰ زبان‌شناسی قانونی با ایجاد «انجمن بین‌المللی زبان‌شناسی قضایی^۶» و انتشار «مجله زبان‌شناسی قضایی» خود را تثبیت کرده است و زبان‌شناسان زیادی در این حوزه به فعالیت پرداخته‌اند (شای، ۱۳۸۳: ۳۶۶-۳۶۷).

درباره ارتباط بین زبان‌شناسی و حقوق می‌توان از زبان‌شناسی قضایی (forensic linguistics) یا به عبارتی به‌کارگیری دانش، شیوه‌ها، و بینش زبان‌شناسی در بافت قضایی سخن راند. از این کاربردها می‌توان به این موارد اشاره کرد: درک رابطه بین زبان و قانون از طریق مطالعه زبان قانون مثل زبان اسناد قانونی و رسمی دادگاه‌ها، پلیس، و زندان‌ها؛ استفاده از شواهد زبان‌شناختی (آواشناختی، ساخت‌واژی - نحوی، کاربردشناسی - کلامی) در تحلیل سرقت‌های ادبی؛ شناسایی گوینده یک مطلب یا مقایسه صداها، اعتراف‌ها، یادداشت‌های خودکشی، هشدارهای روی کالای مصرفی، و غیره؛ استفاده از زبان به عنوان شاهدهی برای دعاوی مدنی (علامت‌های تجاری، قراردادها، افترا، تعهد محصولات، نقض قوانین کپی‌رایت، و غیره)؛ کاهش تبعیض و نقص‌های زبان - محور در نظام حقوقی؛ تبادل آرا و اطلاعات بین جوامع حقوقی و زبانی، درک عمومی بهتر از رابطه بین زبان و قانون؛ پژوهش در زمینه شهادت‌نامه‌ها، و ارائه شواهد زبان‌شناختی، و نیز تعبیر و ترجمه متون حقوقی.^۷

زبان‌شناسی قضایی، کاربرد دانش زبان‌شناسی در موضوعات قضایی است و حاصل تعامل زبان‌شناسی و حقوق. در واقع، زبان‌شناسی قضایی محل تلاقی زبان، جرم، و حقوق (قانون‌گذاری، دعاوی، دادرسی، و تفسیر قوانین) است (موسوی و دیگران، ۱۳۹۰: ۳).

بررسی برنامه درسی رشته حقوق در مقطع کارشناسی، کارشناسی ارشد، و دکتری نشان می‌دهد که دروسی چون مبانی جامعه‌شناسی یا مبانی علم اقتصاد در برنامه درسی مقطع کارشناسی، و دروسی مانند جامعه‌شناسی جنایی و روان‌شناسی جنایی در مقطع کارشناسی ارشد و دکتری گنجانده شده است، ولی درسی در رابطه با زبان‌شناسی حقوقی ارائه نمی‌شود.

۵. نتیجه‌گیری

در این مقاله تلاش شد تصویر موجزی از ماهیت علوم انسانی و نیز زبان‌شناسی، به عنوان یکی از شاخه‌های آن، ارائه شود. آشکار است که علوم انسانی ماهیتاً با علوم طبیعی و دقیقه متفاوت است. به نظر می‌رسد مرزبندی‌های دقیقی که گاهی در سایر علوم صورت می‌گیرد در علوم انسانی صادق نیست. پژوهش در هر یک از شاخه‌های علوم انسانی مستلزم توجه و دست‌کم نیم‌نگاهی به سایر حیطه‌ها نیز هست و زبان‌شناسی نیز از این قاعده مستثنا نیست. در اهمیت زبان‌شناسی همین بس که زبان ابزار ثبت و مطالعه مجموعه تجارب انسان و یکی از عناصر مجموعه‌ای است که می‌کوشد از وجود انسان رمزگشایی کند. در این پژوهش، رابطه زبان‌شناسی با جامعه‌شناسی، مردم‌شناسی، روان‌شناسی، فلسفه، تاریخ،

سیاست، و حقوق و نیز جایگاه زبان‌شناسی در برنامه‌درسی این رشته‌ها بررسی شد. به غیر از تعداد بسیار محدودی واحد در برنامه‌درسی برخی گرایش‌های رشته‌جامعه‌شناسی، مردم‌شناسی، تاریخ، و روان‌شناسی، دروس مرتبط با زبان‌شناسی در برنامه‌درسی بیشتر این رشته‌ها دیده نمی‌شود و به جنبه‌میان‌رشته‌ای و کاربردی زبان‌شناسی توجهی نشده است. شایسته است که جایگاه زبان‌شناسی در برنامه‌درسی رشته‌های علوم انسانی از زوایای گوناگون و با بررسی تطبیقی برنامه‌های درسی داخل و خارج از کشور به طور دقیق ارزیابی شود و در صورت لزوم اصلاحاتی در این زمینه صورت گیرد. ماهیت میان‌رشته‌ای زبان‌شناسی انکارناپذیر و اهمیت آن غیر قابل اغماض است.

پی‌نوشت

۱. برنامه‌درسی رشته‌های گوناگون علوم انسانی در تارنمای شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی در دسترس قرار دارد: <http://www.shmoton.ir>
۲. به نقل از <http://www-personal.umich.edu/~jlawler/lingfaq.html>
۳. Periclean Golden Age: دوران حکمرانی پریکلس در آتن باستان از ۴۰۴ پ م تا ۴۸۰ پ م را عصر طلایی آتن می‌دانند. ← <http://www.athensguide.tv/2011/03/gold-century.html>
۴. همچنین ← Eisenlohr, 2006: 187- 193
۵. ← به دانشگاه تربیت مدرس <http://www.modares.ac.ir/Schools/hum/grp/plc/edu/crc/phd> و دانشگاه فردوسی مشهد <http://www.um.ac.ir/Faculty-wndMore-cid-223-id-13.html>
۶. مترجم از اصطلاح «زبان‌شناسی قانونی» استفاده کرده بود.
۷. برگرفته از تارنمای انجمن بین‌المللی زبان‌شناسی قضایی <http://www.iafl.org>

منابع

- آلستون، ویلیام پی (۱۳۸۱). *فلسفه زبان*، ترجمه احمد ایران‌منش و احمدرضا جلیلی، تهران: سهروردی.
- ادیب‌زاده، مجید (۱۳۸۷). *زبان، گفتمان و سیاست خارجی: دیالکتیک بازنمایی از غرب در جهان‌نمادین ایرانی*، تهران: اختران.
- استاجی، اعظم (۱۳۸۵). «معرفی آواشناسی قانونی و برخی کاربردهای آن»، *مجله زبان و زبان‌شناسی*، ش ۲.
- باستانی، حسن (۱۳۸۹). «آموزش و پرورش میان‌رشته‌ای در جغرافیای تاریخی»، *مطالعات تاریخ فرهنگی*، ش ۴.
- باقری، اشرف‌السادات (۱۳۸۷). «ماهیت علوم انسانی و روش‌شناسی آن»، *کنگره علوم انسانی*، به صورت
برخط: <http://www.ensani.ir/fa/content/86307/default.aspx>

۷۰ بررسی جایگاه زبان‌شناسی در برنامه‌های درسی رشته‌های علوم انسانی

- بیرد، آدریان (۱۳۸۵). *زبان سیاست*، تهران: مرن‌دیز و نی‌نگار.
- چامسکی، نوم (۱۳۷۸). *زبان و مسائل دانش*، ترجمه علی درزی، تهران: آگه.
- دالمایر، فرد (۱۳۸۹). *زبان و سیاست*، ترجمه عباس منوچهری، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- دبیرمقدم، محمد (۱۳۸۶). «تکوین زبان‌شناسی نظری در جهان و بازنمود آن در ایران»، *بخارا*، ش ۶۳.
- دلاور، علی (۱۳۷۴). *مبانی نظری و عملی پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی*، تهران: رشد.
- دوریه، ژان فرانسوا (۱۳۸۲). *علوم انسانی گستره شناخت‌ها*، ترجمه مرتضی کبکی و جلال‌الدین رفیع‌فر و ناصر فکوهی، تهران: نی.
- سهلانی، محمدجواد (۱۳۸۱). «زبان‌شناسی و مطالعات میان‌رشته‌ای»، *پژوهش زبان‌های خارجی*، ش ۱۳.
- شای، راجر (۱۳۸۳). «زبان‌شناسی قانونی»، ترجمه اعظم استاجی، *مجله حقوق دادگستری*، ش ۴۸ و ۴۹.
- عاصی، مصطفی (۱۳۸۴). «زبان‌شناسی رایانه‌ای در پژوهشگاه»، *پژوهشگران*، ش ۳.
- لوتمان، یوری و دیگران (۱۳۹۰). *نشانه‌شناسی فرهنگی*، تهران: علم.
- محمدی اصل، عباس (۱۳۸۹). *جنسیت و زبان‌شناسی اجتماعی*، تهران: گل‌آذین.
- موسوی، سید فضل‌الله و سید مهدی موسوی و احمد رضائی (۱۳۹۰). «نقش زبان‌شناسی قضایی در تحقق عدالت قضایی»، *نامه مفید*، ش ۸۸.
- نادری، عزت‌الله و مریم سیف‌نراقی (۱۳۷۴). *روش‌های تحقیق و چگونگی ارزش‌یابی آن در علوم انسانی*، تهران: بدر.
- نیلی‌پور، رضا (۱۳۵۴). «هدف‌ها و گرایش‌های زبان‌شناسی نوین»، *نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان*، ش ۱۲.
- یارمحمدی، لطف‌الله و علی محمد حق‌شناس و رضا نیلی‌پور (۱۳۸۲ الف). «نگاهی به جایگاه علم زبان‌شناسی در ایران، زبان و ادبیات»، *نامه فرهنگستان علوم*، ش ۲۰.
- یارمحمدی، لطف‌الله و علی محمد حق‌شناس و رضا نیلی‌پور (۱۳۸۲ ب). «نگاهی به جایگاه علم زبان‌شناسی در ایران»، *نامه فرهنگستان علوم*، ش ۲۲.
- یارمحمدی، لطف‌الله و علی محمد حق‌شناس و رضا نیلی‌پور (۱۳۷۸). «بررسی وضعیت علم زبان‌شناسی در ایران»، *نشریه علوم انسانی، نامه فرهنگ*، ش ۳۴.

Anderson, A. (2006). "Psycholinguistics: Overview", Keith Brown (ed.) *encyclopedia of language and linguistics*, Elsevier, Vol. 10.

Black, Max (1949). *Language and philosophy; studies in method*, Ithaca, NY, US: Cornell University Press.

Boas, F. (ed.) (1911). *Handbook of American Indian languages*, Washington, D. C.: Bureau of American Ethnology. [Three additional volumes published 1922, 1933-1937, and 1941].

Bot, K. (ed.) (2006). "Applied Linguistics in Europe", *Encyclopaedia of Language and Linguistics*, Vol. 1.

Brown, K. (2010). *Concise encyclopedia of philosophy of language and linguistics*, A. Barber, and R. J. Stainton (eds.), Elsevier.

- Campbell, Lyle. (2002). "The History of Linguistics, *The Handbook of Linguistics*, Aronoff, Mark and Janie Rees Miller (eds), Blackwell Publishing. Blackwell Reference Online, 30 November 2007 <http://www.blackwellreference.com/subscriber/tocnode?id=g9781405102520_chunk_g97814051025206.
- Chomsky, N. (1969a). "linguistics and philosophy, S. Hook (ed.), *Language and Philosophy*, New York: New York University Press
- Chomsky, N. (1969 b). *Linguistics and politics*, New Left Review, 57.
- Chomsky, N. (2004). *Language and politics*, AK Press.
- Clark, B. (2006). "Linguistics as Science, Encyclopedia of language and linguistics, Keith Brown (ed), Vol. 7.
- Cristal, D. (2008). A Dictionary of Linguistics and Phonetics 6th Edition. Blackwell Publishing.
- de Saussure F (1916). Cours de linguistique generale, Bally C and Sechay A (eds), Paris: payot, 1968.
- Duranti, A. (Ed.) (2009). *Linguistic anthropology: a reader* (Vol. 1), John Wiley and Sons.
- Editorial team (2013). "Humanities", Encyclopedia Britannica, Available: <http://www.britannica.com/EBchecked/topic/276026/humanities>
- Eisenlohr, p. (2006). "Linguistic Ethnonationalism, Encyclopaedia of Language and Linguistics, Elsevier, Vol. 7.
- Falk, J. S. (2006). Linguistics as a University Subject: Early History, America in Encyclopedia of language and linguistics, Keith Brown (ed.), Vol. 7.
- Foley, W. A. (1997). *Anthropological linguistics*, Blackwell Publishing Ltd.
- Gal, S. (2006). Linguistic Anthropology, Encyclopaedia of Language and Linguistics, Elsevier, Vol. 7.
- Gibbons, J. (ed.) (1994). *Language and the Law*, London: Longman.
- Gumperz, J. J. (2006). "Interactional Sociolinguistics, Keith Brown (ed.) Encyclopedia of Language and Linguistics, Elsevier, Vol. 5.
- Harris, R. (2004). *The linguistics of history*, Edinburgh: Edinburgh University Press. <http://humanexperience.stanford.edu/what>. available online.
- <http://www.athensguide.tv/2011/03/gold-century.html>. available online.
- <http://www.iafl.org>. available online.
- <http://www.wmich.edu/languages/academics/linguistics/what.html>. available online.
- <http://www-personal.umich.edu/~jlawler/lingfaq.html>. available online.
- <https://www.equinoxpub.com/journals/index.php/LHS>.
- Hymes, D. (1967). Why linguistics needs the sociologist. *Social Research*.
- Kurzon, D. (2006). "Law and Language: Overview", Keith Brown (ed.) Encyclopedia of Language and Linguistics, Elsevier, Vol 6.
- Langer, Nils and Steffan Davies and Wim Vandebussche (eds.) (2012). *Language and History, Linguistics and Historiography*, Oxford: Peter Lang, Series: Studies in Historical Linguistics, Vol. 9, http://www.peterlang.com/download/extract/62335/extract_430761.pdf.
- Murray, D E. (2006). "Applied Linguistics in Australasia and Pacific", Encyclopaedia of Language and Linguistics. Vol. 1.

- Newmeyer, F. J. (1988). *The Politics of Linguistics*, University of Chicago Press.
- Nuessel, F (2006). Language: "Semiotics, Keith Brown (ed.), Encyclopedia of language and linguistics, Elsevier , Vol. 6.
- Sapir, E. (1929). "The Status of Linguistics as a Science", Language, Vol. 5. article Stable URL: <http://www.jstor.org/stable/409588>. available online.
- Sapir, Edward. (1921). Language: An Introduction to the Study of Speech, New York: Harcourt, Brace and Company.
- Smith, N. (2006). "History of linguistics: Discipline of linguistics", Encyclopedia of language and linguistics, Keith Brown (ed.), Vol. 4.
- Snowdon, P. (2006). "Ordinary Language Philosophy, Keith Brown (ed.), Encyclopedia of language and linguistics, Elsevier ,Vol. 9.
- Tiedemann, T Lindstro m. (2006). "Linguistics as a University Subject: Early History, Europe, Encyclopedia of language and linguistics, Keith Brown (ed.), Elsevier. Vol. 7.
- Tiersma, Peter and Solan, Lawrence (eds.) (2012). *The Oxford Handbook of Language and Law* Oxford University Press.
- Whitney W. D. (1867). Language and the study of language: twelve lectures on the principles of linguistic science, New York: Charles Scribner and Company.
- Wodak, R. (2006). "Politics and Language: Overview, Keith Brown (ed.) Encyclopedia of Language and Linguistics, Elsevier ,Vol. 9.
- Zegarec, V (2006). "Language as an object of study, Brown, K. (2010). Concise encyclopedia of philosophy of language and linguistics. A. Barber, and R. J. Stainton (eds.), Elsevier Ltd.